

گونه‌بندی کاخ‌های صفویه و تبیین نقش شاه سلیمان صفوی در گسترش کوشک‌های تفریحی شهر اصفهان*

امیرمحمد چنگیزی‌محمدی**، زینب طالبی**، ناصر جدیدی****

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۶/۰۷ تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۴/۰۳/۱۷

چکیده

این پژوهش به بررسی تأثیرات معماری و شهرسازی شاه سلیمان صفوی (۱۱۰۵-۱۰۷۷ ق) در اصفهان می‌پردازد که یکی از مهم‌ترین دوره‌های تحول کالبدی این شهر است. برخلاف اسلاف خود، شاه سلیمان به جای تأکید بر فضاهای عمومی و نمایشی، تمرکز خود را بر توسعه فضاهای خصوصی، حرم‌سراها و کوشک‌های تفریحی معطوف کرد. تغییرات معماری شامل ایجاد باغ‌های اختصاصی، خیابان‌های خصوصی و حصر فضاهای عمومی به نفع اهل حرم بود که تأثیر عمیقی بر ساختار اجتماعی و فضایی شهر گذاشت. این مطالعه با روش تفسیری-تاریخی و تحلیل منابع تاریخی، رابطه معناداری میان شخصیت شاه و این دگرگونی‌ها را آشکار می‌کند. نتایج نشان می‌دهد که تمایلات شخصی شاه، از جمله زندگی حرم‌محور و تمایل به تفریحات خصوصی، باعث تغییرات بنیادی در سازمان فضایی اصفهان شد. این تغییرات، اگرچه در راستای نیازهای دربار بود، اما فضاهای عمومی شهر را محدود کرده و هویت شهرسازی اصفهان را در دوره صفوی متحول ساخت.

واژه‌های کلیدی

شاه سلیمان، اصفهان، حرم‌سرای دولت‌خانه مبارکه نقش جهان، تالار اشرف، کاخ هشت‌بهشت، تخت سلیمان اصفهان.

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده اول با عنوان: «شاه و شهر، نقش پادشاهان صفوی در معماری اصفهان دوره پایتختی» است که بارانمایی زینب طالبی و مشاوره ناصر جدیدی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد در حال انجام است.

** دانشجوی دکتری گروه معماری، دانشکده هنر، معماری و مهندسی شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد، نجف‌آباد، ایران.

Email: am.changizimohammadi@iaun.ac.ir

*** گروه شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف‌آباد، نجف‌آباد، ایران. (مسئول مکاتبات).

Email: Z.taleb@par.iaun.ac.ir

Email: jadidi_naser@yahoo.com

**** گروه تاریخ، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نجف‌آباد، ایران.

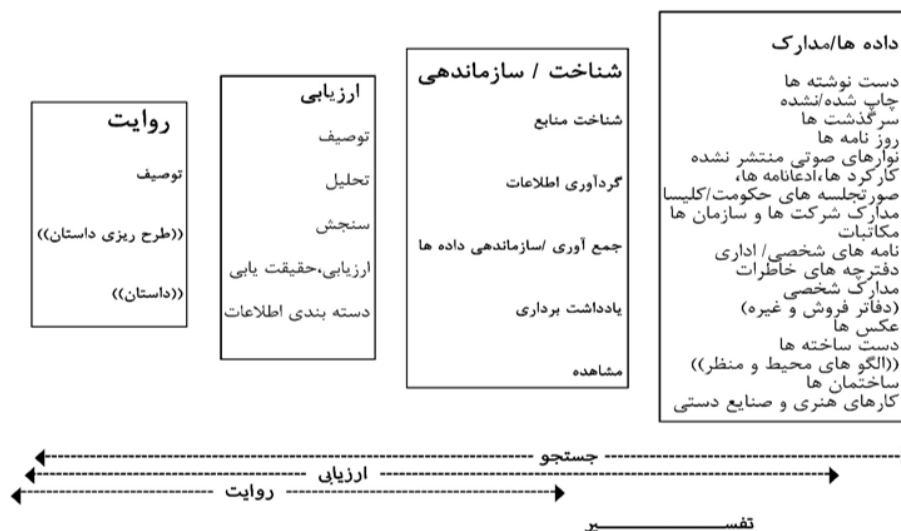
مقدمه

از فضاهای شهری چون قهوه‌خانه‌ها و ... که در این روزگار چشم‌گیر است چشم‌پوشی شده است و به این سؤال پاسخ داده شد که شاه سلیمان چرا و چگونه بر معماری و شهر اصفهان نقش داشته است.

روش پژوهش

از منابع دست‌اول تاریخی و با روش تاریخی - تفسیری شخصیت و ویژگی‌های شاه سلیمان، علل شکل‌گیری این شخصیت و سایر خصوصیات وی شناسایی و سپس با شناخت آثار معماری و شیوه حضور شاه سلیمان در شهر با شیوه تحلیلی-توصیفی ارتباط میان شخصیت شاه سلیمان و اقدامات وی در شهر اصفهان را روشن شد. تحقیق تفسیری-تاریخی به‌طور خاص به‌عنوان جستجوی پدیده‌ای اجتماعی-کالبدی در زمینه‌ای پیچیده، با جهت‌گیری تبیینی-روایتی و کل‌نگر تعریف می‌شود. این تحقیق نیز در پی جستجوی ارتباط میان شخصیت شاه سلیمان و ساخت‌وسازهای وی در زمینه‌ای پیچیده‌ی تاریخ شهر اصفهان و با جهت‌گیری داستانی است و ماهیتی کل‌نگر دارد. فراموش نباید کرد که پژوهش تاریخی به کلیت تحقیق کیفی بسیار نزدیک است. در هر دو مورد، محقق کوشش می‌کند تا حد امکان به مدارک موردنیاز تحلیل یک پدیده اجتماعی پیچیده دست یابد. این روند به جستجو، جمع‌آوری و سامان‌دهی مدارک، ارزیابی و تشکیل روایتی کل‌نگر و قابل‌باور از آن‌ها نیاز دارد. در این فرایند، تفسیر داده‌ها کلیدی و مهم است (گروت و وانک، ۱۳۸۴، ۱۳۶). این فعالیت‌ها را می‌توان به ترتیب نمودار زیر که در شکل ۱ دیده می‌شود خلاصه کرد

شاهان صفوی به شیوه‌های گوناگون در تحولات معماری و شهرسازی نقش داشته‌اند. ایشان با دگرگون کردن کالبد معماری و شهر، رویدادهای شهری، بافت اجتماعی و تأثیر بر فضاهای شهری و حتی با چگونگی بودنشان در شهر و ... بر روند دگرگونی‌های شهر به‌ویژه پایتخت مؤثر بودند. نباید فراموش کرد که هر یک از شاهان صفوی به خاطر سیاست و منش شخصی ناهمسان با شاه‌عباس به‌گونه‌ای متفاوت با یکدیگر بر اصفهان تأثیر گذاشتند. یکی از زمینه‌هایی که تاکنون کمتر موردبررسی واقع شده است نقش شاه سلیمان در دگرگونی‌های معماری و شهرسازی اصفهان صفوی است تا روشن شود وی چرا و چگونه نقشی بر معماری و شهر اصفهان داشت. گرچه تا به امروز مقالات و کتاب‌هایی به موضوع ساخت‌وسازهای روزگار شاه سلیمان پرداخته‌اند ولی آنچه مورد دقت واقع نشده آن است که چگونه شاه سلیمان متفاوت با سایر شاهان صفوی و به‌عنوان یک فرد با شخصیت ویژه خود بر معماری و شهرسازی اصفهان تأثیر گذاشته است. پس نخست با استفاده از روش تفسیری-تاریخی شخصیت ویژه شاه سلیمان و تمایلات وی موردبررسی و پس از آن ساخت‌وسازهای شاهی مورد بازخوانی و تدقیق با این شخصیت قرار گرفت. این تحقیق نشان داد میان شخصیت و ساخت‌وسازهای شاهی ارتباط معناداری وجود دارد که تاکنون کمتر موردتوجه قرار گرفته بود. در این مقاله به خاطر محدودیت، صرفاً به دگرگونی‌های کالبدی شهر توسط شاه سلیمان که بیشتر تمرکز بر کوشک‌های تفریحی و شیوه‌ی به‌کارگیری و فعالیت در این کوشک‌ها که به‌صورت قرق‌های بزرگ شهری است پسندیده شده و از دیگر موارد به‌ویژه دگرگونی‌های برخی



شکل ۱. نمودار تحقیق تفسیری (مأخذ: گروت و وانک، ۱۳۸۴: ۱۳۶)

Figure 1. Interpretive research diagram (Source: Grote & Vank, 2005: 136)

پیشینه پژوهش

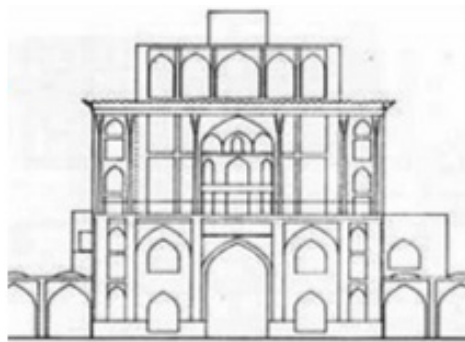
شاهان صفوی و تدقیق سیاست هر یک از ایشان قائل نشده‌اند. عموم این نوشته‌ها دولت صفوی را دولت واحد شیعی با اهدافی مشخص فرض می‌کند که منجر به ساخت ساختمان‌هایی بانام مکتب یا سبک اصفهان‌اند و برای ایشان شاه سلیمان با شاه‌طهماسب با این حجم از تفاوت شخصیتی یگانه‌اند. در این پژوهش تلاش می‌شود با نگاهی نو شخصیت شاه سلیمان و تأثیر آن بر کالبد معماری و شهرسازی اصفهان موردبررسی قرار گیرد؛ بنابراین این مقاله نخست به گونه شناسی کاخ‌های صفویان می‌پردازد و سپس با بررسی شخصیت شاه سلیمان روشن خواهد شد چرا وی علاقه‌مند به گونه‌ای خاص از کاخ‌ها است.

گونه‌شناسی کاخ‌های صفویان

پادشاهان صفویان بناهای گوناگونی را احداث می‌کردند که شامل کاربری‌های متعدد بود. این بناها از پل، کاروانسرا و بیمارستان گرفته تا مساجد شاهی و کاخ‌ها و باغ‌های سلطنتی را شامل می‌شد. گرچه تمامی بناهایی که کاربر اصلی آن نیز شاه بوده است کاخ خوانده می‌شود ولیکن این بناها گرچه دارای یک کارفرما و کاربر اصلی یعنی شاه بوده‌اند اما کاربری‌های متعدد و متفاوت داشته‌اند. با نگاهی دقیق‌تر می‌توان این کاخ‌های به گونه‌های مختلف تقسیم کرد.

کاخ‌های بار عام مانند عالی‌قاپو که در شکل ۲ دیده می‌شود برای استفاده در مراسم مردمی همچون جشن شاطر (مسابقه نمایش توانایی دونده شاه در دویدن) یا مراسم‌های محرم. این کاخ‌ها معمولاً بناهای مرتفعی بودند که شاه از آن مراسم را می‌دید و مردم عادی نیز می‌توانستند شاه را ببینند.

اگرچه تاکنون کتاب‌ها و نوشتارهای ارزشمند بسیاری چون آشنایی با سبک معماری اصفهانی اثر حسنی (۱۳۹۷)، معماری ایرانی در عصر صفوی اثر اسکندری (۱۳۹۷)، اصفهان اثر جناب‌اصفهانی (۱۳۷۶) و... درباره‌ی معماری و شهرسازی صفویان نوشته‌شده است ولی می‌توان این نوشتارها را به دو گونه مختلف تقسیم کرد: گرنولوژیک نگاری (گاه‌نگاری یا گاه‌شماری) و مکتب نگاری. گونه نخست چون گنجینه آثار تاریخی اصفهان اثر هنرفر (۱۳۹۳) به تاریخ‌نگاری بناها تکیه کرده برای مثال تاریخ ساخت و ویژگی‌های هر بنا را به ترتیب در زیرمجموعه‌های چون ساختمان‌های دوره شاه‌عباس، شاه صفی، شاه‌عباس دوم و... نوشته‌اند. این دست از نوشتارها در پی روشن کردن ارتباط میان صفویان و معماری نیستند و تنها به خاطر کرنولوژیک‌نگاری نامی از پادشاهان نیز آورده‌اند. برای این گروه فرقی ندارند که بگویند ساختمان‌های دوره شاه سلیمان اول یا هشتمین پادشاه صفویان و یا ساختمان‌هایی که بین سال‌های ۱۰۷۷-۱۱۰۵ ق. چراکه برای آن‌ها شخصیت شاه سلیمان بی‌اهمیت است و تنها گاه‌شماری و دوره شماری دارای اهمیت است. گونه دوم نوشتارهایی چون اصول معماری و شهرسازی اسلامی ایرانی با تأکید بر مکتب اصفهان اثر صارمی (۱۳۹۶)، اصفهان باغ آسمان اثر یآوری (۱۳۹۰)، نصف جهان: معماری اجتماعی اصفهان صفوی اثر بلیک (۱۳۸۸) و... هستند که معماری و شهرسازی صفویان را امری واحد تلقی کرده و گرچه در مواردی همچون اصفهان و کاخ‌هایش: کشورداری، تشیع و معماری بزم در آغاز دوران ایران مدرن اثر بابایی (۱۳۹۸) دقیق‌تر شده و در پی روشن کردن تأثیر سیاست صفویان بر معماری و شهرسازی‌اند ولی صفویان را دولتی واحد فرض کرده و تفاوتی میان سیاست‌های



شکل ۲. نمای کاخ عالی‌قاپو. این کاخ گرچه کاربری‌های متعدد و دگرگونی‌های شدید داشته است ولی درنهایت اصلی‌ترین کاربری آن کاخ بار عام بوده است. مهم‌ترین ویژگی این بناها ارتفاع بلند ساختمان است (مأخذ: گالدیری، ۱۳۶۲)

Figure 2. Facade of the Ali Qapu Palace. Although this palace has had numerous uses and drastic changes, its main use has ultimately been as a public palace. The most important feature of these buildings is the high height of the building. (Source: Galdiri, 1983)

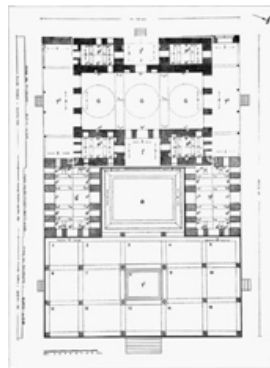
(آقاشریفیان اصفهانی، ۱۳۹۴)

کاخ‌های مسکونی برای زندگی و خواب شاه و خانواده وی بوده است همچون بنایی که بعدتر به نام رکیب‌خانه اصفهان مشهور شد و در ابتدا نام خلوت‌خانه را داشت. این ساختمان‌ها همچون خانه‌ای دارای حیاط مرکزی بوده و اتاق‌های زمستانه و تابستانه دارند. پلان این بنا در **شکل ۵** دیده می‌شود. فراموش نباید کرد که این بنا در دوره صدری بسیار تغییر یافت.

حرم‌سراهای سلطنتی همچون تالار اشرف شامل اتاق‌های زنان و یک ساختمان مرکزی که محل برگزاری مهمانی‌های زنانه با یا بدون حضور شاه بوده است. (صابری نصب، ۱۴۰۱؛ شجاع، ۱۳۸۴)

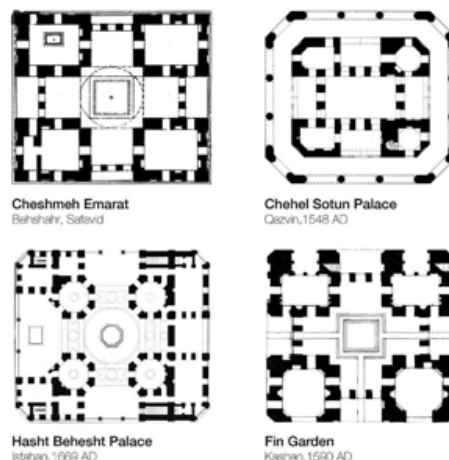
کاخ‌های بار خاص برای جشن‌های تاج‌گذاری و ملاقات با رجال و مهمانان خارجی و جشن نوروز همچون کاخ چهل‌ستون، آینه‌خانه و تالار طویل، عموماً دارای پلان کشیده‌ای هستند که در **شکل ۳** دیده می‌شود و ایوان و ستاوند چوبی بوده و تخت شاهی در درآی‌گاه اصلی قرار می‌گرفته و مهمانان بر اساس طبقه در جایگاه مشخص خود قرار می‌گرفتند.

کوشک‌های تفریحی برای استفاده تفریحی شاه و خانواده‌اش همچون هشت‌بهشت یا عالی‌قاپو قزوین. عموماً دارای پلان هشت‌ضلعی‌اند که در **شکل ۴** دیده می‌شوند و میان باغی قرار داشته و برای تفریحات تابستانه مورد استفاده قرار می‌گرفته است.



شکل ۳. نقشه کاخ چهل‌ستون با شباهت بسیار به تالار طویل و کاخ آینه‌خانه، دارای سلسه‌مراتب درآی‌گاه تختگاه، ایوان آجری مقربین و ستاوند چوبی مهمانان و فضای باغ بیرون از آن برای مراسم تشریفات (بار خاص) مهم‌ترین ویژگی این بنا کشیدگی پلان است (مأخذ: بدر، ۱۳۹۸؛ منصوری، ۱۳۸۴)

Figure 3. Plan of Chehel Sotun Palace, very similar to the Tavilleh Hall and the Aineekhaneh Palace, with a series of steps at the entrance to the Thakht-gah, a brick porch for the guests, a wooden pavilion for guests, and a garden space outside for ceremonial ceremonies (special occasions). The most important feature of this building is the elongated plan (Source: Badr, 2019; Mansouri, 2005)



شکل ۴. پلان هشت‌بهشت و دیگر کوشک‌های تفریحی. مهم‌ترین ویژگی این بناها کاخی هشت‌ضلعی در میان باغی است تا بتوان از منظره باغ بیشترین استفاده را کرد (مأخذ: رضازاده اردبیلی و ثابت فرد، ۱۳۹۲)

Figure 4. Plan of Hasht-Behesht and other recreational pavilions. The most important feature of these buildings is the octagonal palace in the middle of a garden, so that the garden view can be used to the fullest (Source: Rezazadeh Ardabeli & Sabet Fard, 2013)

را به خواجگان ندادند. چراکه وی پسر محبوب شاه‌عباس دوم نبود و تصور قتل وی به فرمان پدر می‌رفت. به نظر می‌رسد حمزه میرزا فرزند هشت‌ساله شاه‌عباس دوم که محبوب پدر بود برای رسیدن به تاج‌وتخت اقبال بیشتری داشت (شاردن، ۱۳۷۴، ج ۴: ۱۶۰۸-۱۶۳۳). پس شاه سلیمان همواره از کشته شدن به دست پدر بیرون از حرم‌سرا می‌ترسید که ترسی بجا بود. فشارهای روانی بسیار و حبس بیست‌ساله بر روی پادشاه باعث شد وی دوره‌ای تا حدی متفاوت را در اصفهان بنا نهد، وی آن‌چنان حکومت کرد که تربیت‌شده بود؛ او تا حد زیادی از مردان دوری می‌جست و بیشتر دوست داشت وقت را با حرم بگذراند. شاید بتوان میزان علاقه شاه سلیمان به زنان حرم را در برخی از نگاره‌های رسمی دربار نیز دید که نمونه آن در شکل ۸ دیده می‌شود. به‌طور کلی می‌توان دوره‌ی حکومت او را به سه دوره‌ی تقریبی تقسیم کرد: او در دوره‌ی نخست حکومتش بیشترین وقت را در کنار حرم‌سرا و به شادنوشی گذراند. در این دوره حال عمومی شاه رو به بدی رفت و اوضاع مملکت نیز رو به وخامت نهاد. این دوره تا تاج‌گذاری مجدد وی در نوروز ۱۰۸۰ ق ادامه داشت. دوره‌ی دوم تقریباً از سال ۱۰۸۱ ق آغاز و تا حدود سال ۱۰۹۹ ق که وی با تغییر نام، تاج‌گذاری دوباره و توبه در می‌خوارگی تا حدودی به امور مملکت توجه نشان داد ادامه داشت. در این دوره وی جشن‌های متعدد برگزار و به روحانیون و امور مذهبی توجه کرد؛ و سرانجام دوره‌ی پایانی حکومت وی بود که وی در دعوایی ناخواسته با یکی از زنان حرمش، زن بیچاره را کشت؛ این اتفاق باعث شد حال روحی وی دوباره به وخامت رود و در نتیجه اوضاع مملکت نیز دوباره رو به بدی رفت. با این اتفاقات دوباره شاه سلیمان افسرده شده در حرم مخفی شد و حتی در بسیاری از موارد از دیدار صدراعظم و پزشکان درباری نیز خودداری کرد (کمپفر، ۱۳۶۳: ۷۳-۷۲؛ مستوفی، ۱۳۹۹: ۱۱۳). گزارش‌های متناقض اروپاییان از دربار او

و ساختمان‌های دیگر همچون برج‌های مطبق مانند برج عمارت رکیب‌خانه، عمارت اوچی مرتبه و عمارت باغ نظر یا بیگلربیگی‌ها که اتاق‌های کوچک شاه‌نشین بوده‌اند که در شکل ۷ دیده می‌شوند و یا کوشک‌های شکارگاهی همچون کوشک‌های تاج‌آباد یا عباس‌آباد نظنز در میان شکارگاه‌های سلطنتی قرار داشته، که در شکل ۶ قابل مشاهده است و برای تفریح و استراحت شکارگاهی مورد استفاده قرار می‌گرفته است.

شاه سلیمان (صفی دوم) (۱۰۷۷-۱۱۰۵ ق)

شاه صفی دوم یا شاه سلیمان صفوی در حدود سن بیست‌سالگی در سال ۱۱۰۷ ق به سلطنت رسید و تا آن زمان در حرم‌سرا و تحت فشار از جانب پدر محبوس بود. وی به خاطر خشم پدر در اقامتگاهی کوچک به همراه مادر و همسرانش زندانی بوده و حتی حق گشتن آزاد در حرم‌سرا را نیز نداشت. دنیای بیرون چنان از وجود وی بی‌خبر بود که حتی اعتمادالسلطنه می‌پنداشت وی سال‌ها پیش به دست پدر کشته شده است. هنگامی که خواستند خبر مرگ پدر و جانشینی وی را بدهند مادرش و تعدادی از زنان حرم‌سرا با این پندار که قرار است شاهزاده به این بهانه کشته شود با شیون بسیار و حتی کشیدن خنجر بر روی خواجه‌ها اجازه خارج کردن شاهزاده از حرم



شکل ۵. نقشه عمارت رکیب‌خانه، (خلوت‌خانه، کاخ چهارباغ) کاخی مسکونی دارای حیاط مرکزی و اتاق‌های زمستانی و تابستانی (مأخذ: میرشیری، ۱۳۸۳)

Figure 5. Map of the Rekib Khaneh mansion, (Khalut Khaneh, Chaharbagh Palace), a residential palace with a central courtyard and winter and summer rooms (Source: Mirshiri, 2004)



شکل ۶. کاخ شکارگاه عباس‌آباد (مأخذ: بهشتی و آلاپوش، ۱۳۹۵)
Figure 6. Abbasabad Hunting Palace (Source: Beheshti & Agadpoush, 2016)



شکل ۸. نگاره‌ای رسمی از شاه سلیمان با تاج پادشاهی و یک زن که به وی گل اهدا می‌کند. نگاره‌ی پادشاه به همراه تنها یک زن در دوره صفوی نادر است و نشان از توجه وی به زنان حرم است (مأخذ: Jubbadar, 1660-1670)

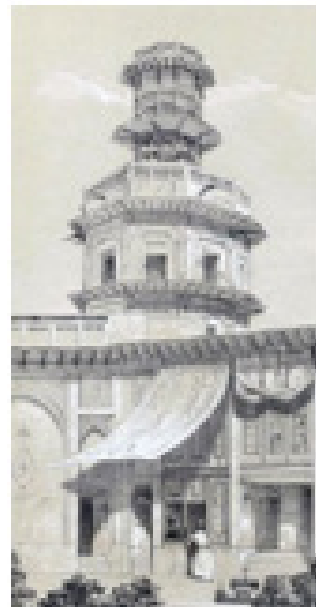
Figure 8. An official portrait of King Suleiman with the royal crown and a woman presenting him with flowers. The portrait of the king with only one woman is rare in the Safavid period and shows his attention to the women of the harem ((Source: Jubbadar, 1660-1670)

می‌کشید.

دوران میانی

سرانجام تصمیم بر آن شد تا پادشاه بانام جدید شاه سلیمان و در روز خوش‌یمن نوروز، با حضور افرادی جدید، در بارگاهی دیگر، دوباره تاج‌گذاری کرده تا این خوش‌یمنی جان و سلطنت وی را حفظ کند. تأثیرات روانی این کار باعث شد شاه تا مدتی از نوشیدن توبه و اندکی به امور دولت رسیدگی کند. اعتمادالدوله نیز کمی امور را سروسامان بخشید. بهبود امور بعد از این واقعه باعث شد تا وی به‌صورت افراطی به سعد و نحس نجومی توجه کند. در همین دوره است که جشن‌های مختلف برگزار شد. باین‌حال شاه در این دوره نیز از جنگ دوری جست (کمپفر، ۱۳۶۳: ۵۳-۷۳). همین دوری از جنگ باعث می‌شد شاه برخلاف پدران که بیشتر اوقات در جنگ‌های طولانی بودند بیشتر اوقات را در اصفهان و در حرم‌سرا بگذرانند.

شاهی که حتی از لباس کشیشان نیز ترس داشت چندین بار پیشنهاد حمله مشترک به عثمانی که اروپاییان مطرح کردند را رد کرد. وی حتی زمانی که حاکم بصره این شهر را درازای پشتیبانی اندک ایران



شکل ۷. برج مطبق رکیب‌خانه که برای نظر کردن شاه به اطراف بوده است. مأخذ: (Flandin, 1851) فراموش نباید کرد که این تصویر پس از تغییرات صدری در دوره قاجار است.

Figure 7. The terraced tower of the Rekiab Khaneh, which was used by the king to look around. It should not be forgotten that this image was taken after the Sadri changes in the Qajar period (Source: Flandin, 1851)

با این تقسیم‌بندی قابل‌فهم و درک است.

دوران ابتدایی

شاردن (۱۳۷۴، ج ۴، ۱۶۵۳-۱۶۵۱) نیز گفته در ابتدای کار، وی از بسیاری مردم در اسب‌سواری پس از تاج‌گذاری‌اش ترسید. وی آن‌چنان از مردم بسیار، می‌ترسید که هنگامی که اولین بار وارد کلیسای وانک جلفا شد از لباس‌های ناآشنای کشیشانی که به استقبالش آمدند سخت بیمناک شد (تاورنیه، ۱۳۶۳، ۵۶۵). پس در سال‌های ابتدای سلطنتش به‌جای رسیدگی به امور کشور به لذت‌های محروم شده پرداخت و به می‌خواری و زن‌بارگی روی آورد. این می‌خواری و زن‌بارگی چندان به مذاق شاه نساخت و بسیار سریع بیمار شد (کمپفر، ۱۳۶۳، ۵۱-۵۲؛ شاردن، ۱۳۷۴، ج ۴، ۱۶۸۰-۱۷۱۹). وخامت حال شاه تا جایی پیش رفت که مردم احتمال مرگ زودرس پادشاه را دادند. (شاردن، ۱۳۷۴، ج ۴، ۱۷۰۳-۱۷۰۵؛ تاورنیه، ۱۳۶۳، ۵۱۱). بیماری، جنگ^۲، زلزله^۳ و قحطی همراه بی‌توجهی شاه به امور، اوضاع مملکت را در سال‌های نخست پادشاهی شاه سلیمان آشفته کرد (شاردن، ۱۳۷۴، ج ۴، ۱۶۷۸-۱۶۸۰). همه این‌ها شاه را بیشتر به حضور در حرم‌سرا

باعث ضعف دولت و حمله مجدد بیگانگان و خصوصاً ازبکان شد. (شاردن، ۱۳۷۴، ج ۴، ۱۷۰۴-۱۷۱۰؛ کمپفر، ۱۳۶۳، ۵۲ و ۷۰-۸۰) زلزله‌های سنگین نیز برخی از شهرها چون مشهد و تبریز را تخریب کرد (یوسف جمالی و حیدری، ۱۳۹۲، ۱۱۶ و ۱۱۹؛ امبرز، ۱۳۷۰، ۱۶۳؛ ماهوان، ۱۳۸۳، ۶۴۷) و بیماری‌های کشنده فراگیر شد. همه این‌ها با قتل ناخواسته‌ی یکی از زنان شاه سلیمان در حرم باعث افسردگی شاه در سال‌های آخر سلطنتش شد (کمپفر، ۱۳۶۳، ۷۳-۷۲). اوضاع شاه چنان بود که حتی اعتمادالدوله را نیز در حدود پنج سال آخر حکومت چندان به حضور نمی‌پذیرفت و خود را در حرم‌سرا دوباره محبوس کرد. وی حدوداً دو سال مانده به مرگش از مصرف داروهایی که پزشکان دربار برایش تجویز می‌کردند نیز خودداری کرد و در سال آخر تقریباً حتی پزشک را نیز به حضور نپذیرفت (نصیری، ۱۳۷۳، ۶).

شاه سلیمان بر اساس شخصیتی که توضیح دادیم با ایجاد تغییر در بخشی از کالبد شهر، نحوه‌ی حضورش در شهر و همچنین سیاست‌های اقتصادی و مذهبی‌اش شهری تا حدی متفاوت ایجاد کرد. کالبد شهر اصفهان در دوره‌ی شاه سلیمان چندان تغییر چشمگیری نکرد؛ ولی تغییرات کوچکی که شاه در قالب آنچه در شهر ساخت، همراه با نحوه‌ی حضور شاه در شهر، باعث شد، فضاهای شهری تبدیل به مکان‌های متفاوتی شوند. در این مقاله به دگرگونی‌هایی که شاه سلیمان با ساخت‌وسازهای شاهی ایجاد کرد پرداخته می‌شود و از بی‌توجهی به آبادی‌هایی که پدرانش ساخته بودند چشم‌پوشی می‌گردد. شاه سلیمان به‌صورت کلی در شهر یا به ساخت اقامتگاه‌های تفریحی پرداخت که با زنان حرمش در آنجاها به تفرج بپردازد و یا با توجه به اعتقادات مذهبی‌اش چند ساخت‌وساز کوچک مذهبی انجام داد که در اینجا تنها به اقامتگاه‌های تفریحی پرداخته می‌شود.

❏ اقامتگاه‌های تفریمی (کوشک‌های تفریمی، مرم‌سراهای سلطنتی)

بیشترین ساخت‌وسازهای شاه سلیمان برخلاف پدر و پدربزرگش که به تالارهای بار عام علاقه‌مند بودند مربوط به اقامتگاه‌های تفریحی بود. وی هیچ تالار عامی را نساخت و به‌جای آن رو به ساخت اقامتگاه‌های تفریحی برای حضور حرم‌سرا آورد. این پادشاه که تا سن بیست‌سالگی تنها در حرم‌سرا بزرگ‌شده بود این بار بجای حضور در شهر، حرم‌سرا را به شهر برد و به ساخت ساختمانی‌هایی برای زنان حرم‌سرا در شهر پرداخت.

حاضر بود به ایران تقدیم کند، نپذیرفت. گرچه شیخ علی‌خان زنگنه اعتمادالدوله نیز به خاطر داشتن املاک بسیار در غرب ایران مخالف اصلی جنگ بود. صلح‌طلبی شاه باعث محبوبیت وی می‌شد. (کمپفر، ۱۳۶۳: ۶۸-۶۹ و ۸۵) گرچه ازبکان، ترکمانان، گُردان و اروپاییان نیز جنگ‌های کوچکی در مرزها علیه ایران به راه انداختند. (کمپفر، ۱۳۶۳: ۶۸ و ۷۹-۸۰؛ اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳-۱۳۶۷: ۹۸۴-۹۸۹) ولی شخص شاه برای پایان دادن به این اوضاع از اصفهان خارج نشد. در همین دوران بود که اقامتگاه‌های محبوب صفویان یعنی فرح‌آباد و اشرف در مازندران توسط قزاقان غارت شد و سوخت. شاه سلیمان نیز چندان علاقه‌ای به سفرهای طولانی و این اقامتگاه‌ها نداشت^۴ و بیشتر وقت خود را در اصفهان و در کنار حرم بود. طولانی‌ترین سفرهایش حرکت دسته‌جمعی با زنان حرمش به سمت باغ هزارجریب و اقامتگاهش تخت سلیمان در کوه صفه اصفهان بود که در دوره نخست حکومتش برای خوش‌آمد زنان حرم، ساخته بود. (شاردن، ج ۴، ۱۳۷۲-۱۳۷۵، ج ۵، ۱۵۲۸-۱۷۴۰)

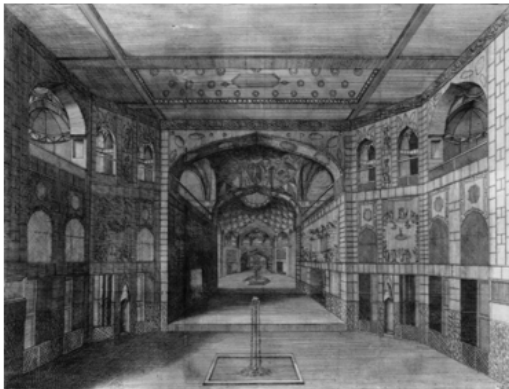
اصلی‌ترین مشکل ایران در دوره وی که علاوه بر شرایط جهانی، سیاست‌های اشتباه نیز به آن دامن می‌زد مشکل کمبود پول نقد یا سکه‌های طلا و نقره بود.^۵ (کمپفر، ۱۳۶۳: ۶۴-۶۵) این مشکلات باعث شد شاه سلیمان که به هنر علاقه‌مند بود و نقاشی می‌دانست (تاورنیه، ۱۳۶۳، ۴۹۱) نتواند ساختمان‌های باشکوه چندانی بسازد و به چند تفرجگاه قناعت کرد که در پیش رو بررسی شده‌اند (هنرفر، ۱۳۵۱، ۱۶-۲؛ همایون، ۱۳۴۸، ۵۹؛ نصرآبادی، بی‌تا، ۴۷۸-۴۸۰؛ شاردن، ۱۳۷۴، ج ۴، ۱۵۳۲-۱۵۳۴ و ۱۵۷۵؛ کمپفر، ۱۳۶۳، ۲۱۴-۲۱۲).

اعلام رسمی شدن مذهب تشیع، انتقال روحانیون شیعه از لبنان و مازندران به اصفهان، ساخت مدارس دینی در اصفهان و همچنین فشار بر گروه‌های تصوف و قزلباش از آغاز حکومت صفوی تا دوره حکومت

شاه سلیمان هم‌زمان با ضعف حکومت وی باعث شد، روحانیون شیعه از قدرت بسیاری در این زمان بهره‌مند شوند. در این دوره است که روحانیون پرنفوذی چون فیض کاشی، خوانساری، مجلسی و خاتون‌آبادی صدها جلد کتاب همچون بحارالانوار را با حمایت رسمی پادشاه بنویسند (یوسف جمالی و حیدری، ۱۳۹۲، ۱۰۷-۱۰۸) و بانفوذ و قدرت خود بر بافت اجتماعی شهر نیز تأثیر بگذارند. البته تغییراتی که به خاطر نفوذ روحانیان بر پادشاه است در این مقاله بررسی نشده‌اند.

دوران پایانی

اوضاع بد اقتصادی حکومت و مردم و عدم توجه چندان شاه به امور



شکل ۱۰. نگاره گرلو از عمارت هشت‌بهشت پس از تبدیل‌شدن به گراور در کتاب شاردن (مأخذ: Chardin, 1670)
Figure 10. Grell's drawing of the Hasht-e-Behesht mansion after it was converted into an engraving in Chardin's book (Source: Chardin, 1670)



شکل ۹. تخت سلیمان اصفهان (مأخذ: Brun, 1720)
Figure 14. Takht-e-Solomon of Isfahan (Source: Brun, 1720)

تخت سلیمان

در شکل ۹، نخستین بنایی که شاه سلیمان در سال اول پادشاهی‌اش بنا کرد و با عنوان تخت سلیمان از آن یاد می‌شود قابل مشاهده است. وی پس از آزادی از حرم‌سرا و دیدار از کوه صفه نیت کرد تا بنایی را بسازد و آن را به مادرش نشان دهد. این بنا تنها در مدت هشت روز ساخته شد و برخی رجال برای نزدیکی به شاه جدید در ساخت آن کمک کردند. این موضوع که هدف اصلی ساخت ساختمان نشان دادن و وقت گذراندن شاه با مادرش است نشان می‌دهد که مادر شاه و حرم چقدر برای شاه سلیمان دارای اهمیت بوده است. گرچه این بنا اقامتگاهی کوهستانی ساده‌ای بیشتر نبود که شاه با زنانش در آنجا وقت می‌گذراند ولی این بنا تقریباً تا پایان حکومت شاه سلیمان و قبل از کشته شدن همسر شاه در آن برای شاهی که نه‌چندان به مسافرت‌های طولانی راغب بود و نه دل‌بستگی چندانی به شکار در شکارگاه‌های اصفهان داشت از محبوب‌ترین بناها بود. وی گردش با زنانش و رسیدن به این اقامت‌گاه را بیش از بسیاری چیزها دوست داشت (شاردن، ۱۳۷۴، ج ۴، ۱۵۷۵). راجع به معماری این بنا با توجه به آنکه تنها دو گراور از آن بیشتر باقی‌مانده است نمی‌توان به‌دروستی نظر داد با این حساب همین دو گراور نیز اصلی‌ترین ویژگی این بنا را ساختمان مرکزی هشت‌ضلعی همانند سایر کوشک‌های تفریحی نشان می‌دهند.

عمارت هشت‌بهشت در باغ بلبل

راجع به تاریخ ساخت عمارت هشت‌بهشت گمانه‌زنی‌های بسیاری وجود دارد. در اینجا نخست تاریخ ساخت عمارت هشت‌بهشت روشن‌شده و سپس به ارتباط آن با شخصیت شاه پرداخته می‌شود. برای تاریخ ساخت عمارت هشت‌بهشت تاریخ‌های فراوانی ذکر کرده‌اند که عبارت است از ۱۰۷۱، ۱۰۷۶، ۱۰۷۷، ۱۰۸۰، ۱۱۰۲ و ۱۱۱۹ ق؛ که تاریخ‌های ۱۰۷۷ تا ۱۱۰۲ ق در دوره سلطنت شاه سلیمان است. غلامعلی همایون تاریخ تقریبی ۱۰۷۱ ق را ذکر کرده چراکه معتقد است ژوزف گرلو^۱ یا همان نقاش شاردن در سال ۱۰۷۶ یا ۱۰۷۷ ق از هشت‌بهشت گراور کشیده است. شکل ۳. وی تحلیل کرده که بنابراین هشت‌بهشت از سال ۱۰۷۱ ق وجود داشته است (همایون، ۱۳۴۸، ۵۵-۵۹). حال آنکه چرا همایون معتقد است نقاش شاردن در سال ۱۰۷۶ یا ۱۰۷۷ ق این گراور که در شکل ۱۰ دیده می‌شود را کشیده جای سؤال دارد. شاردن دو بار به اصفهان آمد یک‌بار در سال ۱۶۶۶ م یا همان ۱۰۷۶ ق که کمتر از یک سال در اصفهان ماند و شاهد تاج‌گذاری شاه سلیمان در سال ۱۰۷۷ ق بود و بار دیگر در سال ۱۶۷۳ تا سال ۱۶۷۷ م یعنی از سال ۱۰۸۳ تا سال ۱۰۸۷ ق در اصفهان ساکن بود. احتمالاً همایون فکر کرده است که ژوزف گرلو در سفر اول شاردن به اصفهان همراه وی بوده است پس گراور مربوط به سال ۱۰۷۶ یا ۱۰۷۷ ق است. حال آنکه گرلو در سفر دوم شاردن و در

بزرگان حکومتی ترجیح داد. یکی از بناهایی که وی به‌عنوان اقامتگاهی تابستانی در باغ بلبل و نزدیک حرم‌سرا ساخت هشت‌بهشت است. تا بتواند به همراه زنانش در فصل گرم از عمارت و باغی پر فواره و خنک لذت ببرد.

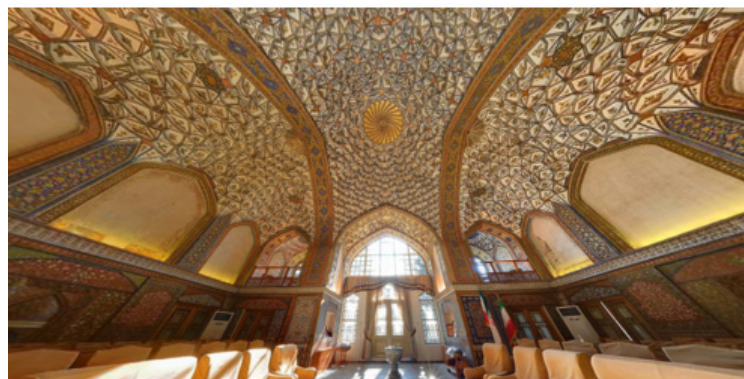
تالار اشرف

در منابع مکتوب اشاره‌ای به ساخت تالار اشرف که در شکل ۱۱ دیده می‌شود نشده است چراکه این ساختمان در قلب حرم‌سرای دولت‌خانه‌ی مبارکه‌ی نقش جهان ساخته‌شده جایی که دیدنش برای مردان ناممکن بود. بااین‌وجود برخی از محققان بخش معماری ایران در دوره‌ی صفویان کتاب تاریخ ایران کمبریج دوره‌ی صفویان این کاخ را با توجه به شباهت‌های معماری که به تالار هشت‌بهشت دارد مربوط به حدود ۱۶۹۰ م یا حدود ۱۱۰۰ ق دانسته‌اند.^۸ (جکسون و لاکهارت، ۱۳۹۳، ۴۴۹) یعنی زمان شاه سلیمان گرچه می‌تواند به خاطر برخی ویژگی‌های معماری‌اش قدیمی‌تر از ۱۱۰۰ ق نیز باشد. شکل ساختمان تالاری زیبا شبیه به هشت بهت و برای مهمانی‌های خصوصی ولی رو به آفتاب جنوب و پوشیده‌تر جهت فصل سرد است؛ و نشان می‌دهد که به‌احتمال بسیار شاه بر آن بوده تا چسبیده به ساختمان حرم‌سرا بنایی را جهت خوش‌گذرانی با زنان حرم و در فصل سرد و مشابه هشت‌بهشت بنا کند تا در زمستان نیز از مهمانی‌های حرم لذت برد. بنایی مانند چند بنایی قبلی، یعنی اقامتگاهی تفریحی برای شاه و زنان حرمش.

ساخت حرم‌سرا در باغ هزارجریب

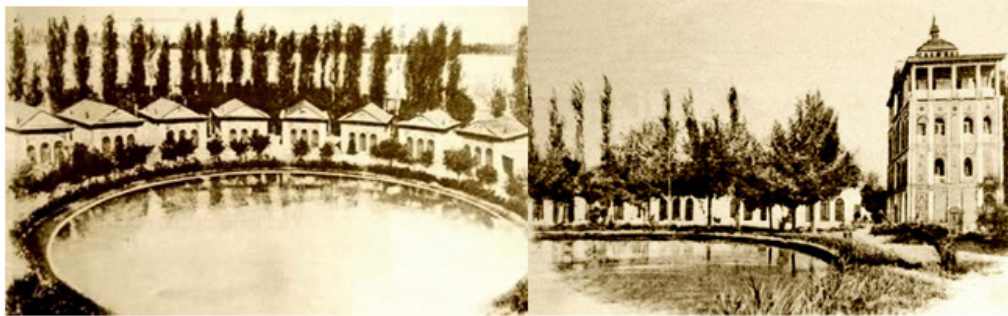
شاه سلیمان که گردش با حرم‌سرا را دوست داشت بیش از هر باغ دیگری می‌پسندید تا به هزارجریب رود. وی نخست با کشیدن دیواری

سال ۱۰۸۱ ق در استامبول به وی پیوست و با وی در سال ۱۰۸۳ ق به اصفهان آمد (Bembo, 2005, 454) بنابراین تمام سال‌های ۱۰۷۱، ۱۰۷۶ و ۱۰۷۷ ق غلط است. از سوی دیگر نصرآبادی در رساله خود نه یک‌بار بلکه چندین بار ماده‌تاریخ ۱۰۸۰ ق را برای هشت‌بهشت ذکر می‌کند؛ بنابراین این تاریخ از همه صحیح‌تر به نظر می‌رسد (نصرآبادی، بی‌تا، ۴۷۸-۴۸۰). تاریخ ۱۰۸۱ ق نیز برگردان دوباره تاریخ ۱۰۸۰ ق به میلادی و دوباره قمری است و نادرست است که بازهم همایون از قول گلوک و دیتز نقل کرده است. در کتاب‌های قاجاری چون زینت التواریخ، تاریخ منتظم ناصری، تاریخ اصفهان و ری و همه جهان سال ۱۱۰۲ ق را برای ساخت این ساختمان نوشته‌اند و سندی برای سخن خود ذکر نکرده‌اند (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳-۱۳۶۷، ۹۹۴). احتمالاً زینت التواریخ دچار خطا شده و دو کتاب دیگر از وی نقل کرده‌اند؛ و سرانجام تاریخ ۱۱۱۹ ق را نیز همایون از دورن نقل می‌کند و اشتباه بودن آن را نیز خود همایون تأیید کرده است.^۷ (همایون، ۱۳۴۸، ۵۵-۵۹؛ هنرفر، ۱۳۵۱، ۷؛ یوسف جمالی و حیدری، ۱۳۹۲، ۱۱۵؛ شاردن، ۱۳۷۵-۱۳۷۲، ج ۱ و ۵، ۱۱-۱۲ و ۱۸۱۶). پس عمارت هشت‌بهشت که در سال ۱۰۸۰ ق یعنی تنها سه سال پس از تاج‌گذاری شاه سلیمان ساخته شد. این ساختمان، مکانی تفریحی با معماری، نقاشی، تزئینات و مبلمانی محرک و مهیج بود تا شاه بتواند با زنانش در آنجا تفریح کند. این ساختمان زمانی ساخته شد که خزانه شاه سلیمان چندان تهی نبود. پس ساختمانی پرهزینه خصوصاً از لحاظ تزئینات و مبلمان بود و مهم‌ترین ساختمان شاه سلیمان است (شاردن، ۱۳۷۴، ج ۴، ۱۵۳۲-۱۵۳۵؛ کمیفر، ۱۳۶۳، ۲۱۴-۲۱۲؛ هنرفر، ۱۳۵۱؛ یوسف جمالی و حیدری، ۱۳۹۲، ۱۱۵). پیش‌تر گفته شد شاه سلیمان صفوی تا بیست‌سالگی در حرم‌سرا و در میان زنان زندگی کرد. پس‌از آن نیز گردش با زنان را تا حضور در میان مردم یا



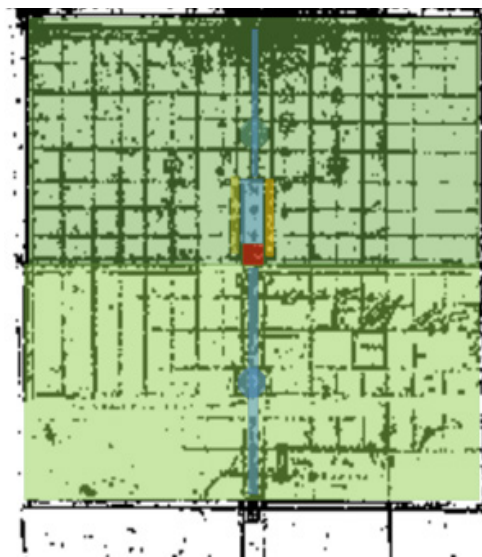
ادامه جدول ۵. معیارها و پیشنهادات طراحی جهت بهبود کیفیت فضای بسته مسکونی

Continuie of Table 5. Criteria and Design Recommendations for Improving Residential Indoor Space Quality



شکل ۱۲. کلاه‌فرنگی و حجره‌های باغ عشرت‌آباد دوره قاجار (مأخذ: سمسار و سراییان، ۱۳۸۲).

Figure 12. The cloister and chambers of the Eshratābād Garden during the Qajar period (Source: Semsar & Saracian, 2003)



شکل ۱۳. باغ هزار جریب طرح کمپفر. با توجه به توضیحات شاردن، کارری و کمپفر. احتمالاً رنگ قرمز کلاه‌فرنگی باغ، رنگ زرد ساختمان‌های حرم‌سرا، رنگ سبز پررنگ باغ خصوصی، سبز کم‌رنگ باغ عمومی، آبی مسیر آب و حوض اصلی. رنگ گذاری از نویسنده، اصل نقشه از کمپفر (مأخذ: عالمی، ۱۳۹۰)

Figure 13. The Hezar jareb Garden, Kaempfer's plan. According to Chardin, Cary, and Kaempfer's descriptions. Probably the red color of the garden's cloisonné, the yellow color of the harem buildings, the deep green of the private garden, the pale green of the public garden, the blue of the water path and the main pond. Coloring by the author, the original map by Kaempfer taken from Alemi's article. (Source: Alemi, 2011)

باغ (شاردن، ۱۳۷۴-۱۳۷۵، ج ۴ و ۵، ۱۵۲۸-۱۵۲۹ و ۱۷۸۸؛ جملی کارری، ۱۳۴۸، ۶۸-۶۹؛ کمپفر، ۱۳۶۳، ۲۱۵-۲۱۷) بعدها الگویی برای ساخت عمارت عشرت‌آباد که در شکل ۱۲ دیده می‌شود در تهران دوره قاجار شده است که خود نیز نمونه‌ی جالبی از حجره زنان و کوشک تفریحی حرم‌سرا است.

دولت‌خانه مبارکه‌ی همایونی نقش جهان

در کیفیت فضایی برخی از فضاهاى دولت‌خانه‌ی مبارکه‌ی نقش جهان

باغ وسیع و عمومی هزار جریب را به دو قسمت عمومی و قسمتی برای زنانش بدل کرد تا بتواند در این باغ نیز با زنان حرم وقت بگذراند؛ این تبدیل بخش‌های عمومی شهر به بخش‌های خصوصی حرم‌سرا اقدامی بود که در دوره شاه سلیمان چندین بار رخ داد و پس از آن عماراتی را نیز در این بخش باغ ساخت تا در آن و به همراه حرم‌سرا بیشتر و راحت‌تر بتواند استراحت کند این عمارت شامل حجره‌های بسیاری مانند کاروانسراها بوده است. نقشه این فضا در شکل ۱۳ دیده می‌شود به احتمال بسیار این حجره‌ها و کلاه‌فرنگی چندطبقه میان

چون میدان لَهِبِیگ و ... نیز تغییراتی در همین راستا یعنی گسترش فیزیکی حرم‌سرا ایجاد شد که در اینجا مورد بررسی قرار می‌گیرد.

خصوصی شدن میدان لَهِبِیگ

هم‌زمان با تبدیل بخشی از جنوب شهر به مکانی شبیه حرم‌سرای بزرگ در وقت قرق، میدان لَهِبِیگ^۹ نیز از یک فضای عمومی تبدیل به فضایی خصوصی شده و به دولت‌خانه‌ی مبارکه نقش‌جهان افزوده شد. این میدان در جنوب میدان نقش‌جهان در حدفاصل مسجد جامع عباسی تا کوچه پشت مطبخ بود. میدانی که توسط لَهِبِیگ احتمالاً همراه با ساخت‌وسازهای عظیم در دوره‌ی شاه‌عباس بزرگ بنا شده بود و در ورودی دو بنای مهم در آن قرار داشت. نخست حمام شاهی و دیگری ورودی به انبار مواد غذایی مطبخ دولت‌خانه. این فضای شهری در نیمه‌ی حکومت شاه سلیمان از حالت عمومی به‌صورت خصوصی تبدیل‌شده و بخشی از اسطبل شاهی در آن جای گرفت. مکان این فضا در **شکل ۱۴** دیده می‌شود. که در این اسطبل چهل اسب حاضر به یراق نگهداری شوند تا هرگاه شاه قصد خروج از دولت‌خانه را داشت از آن‌ها استفاده کند (**شاردن، ۱۳۷۴-۱۳۷۲، ۱۴۱۹؛ کمپفر، ۱۳۶۳، ۲۱۰**).

خیابان خصوصی

گفته شد بیشتر ساخت‌وسازهای شاه سلیمان در اصفهان برای آن بود که وی به همراه زنانش و به‌دوراز مردم عادی به تفریح و تفرج برود. بنا به گزارشی، شاه خیابانی خصوصی برای این منظور و به جهت آنکه وی و زنانش مجبور نباشند از راه‌های عمومی استفاده کنند، ساخت. مکان تبین مکان در **شکل ۱۴** دیده می‌شود. این خیابان همراه با درخت و گل‌کاری بود. (**شاردن، ۱۳۷۴، ج ۴، ۱۷۰۳-۱۷۰۵**) احتمالاً منظور همان راه کج شاهی در دولت‌خانه است که در این زمان از عبور مردم عادی و مراجعه به دربار در آن ممنوعیت ایجاد شد چراکه با ساخت عمارت هشت‌بهشت در باغ سلطنتی بلبل این باغ از باغی سلطنتی به باغی برای حرم‌سرا تبدیل شد و راه کج بیشتر برای اهل حرم مورد استفاده بود.

اخراج ارمنیان از توحید خانه

توحید خانه بخش از دولت‌خانه مبارکه نقش‌جهان در زمان صفویان تا زمان شاه سلیمان بستی بود که افراد دادخواه بدون در نظر گرفتن مذهب، جنسیت، تابعیت و نژاد می‌توانستند به آن وارد شده و از شاه دادخواهی کنند و هیچ‌کس، حتی شاه نیز کسی را از آنجا بیرون نمی‌کرد. این مکان که در **شکل ۱۴** مصور شده، به افراد حاضر در آن

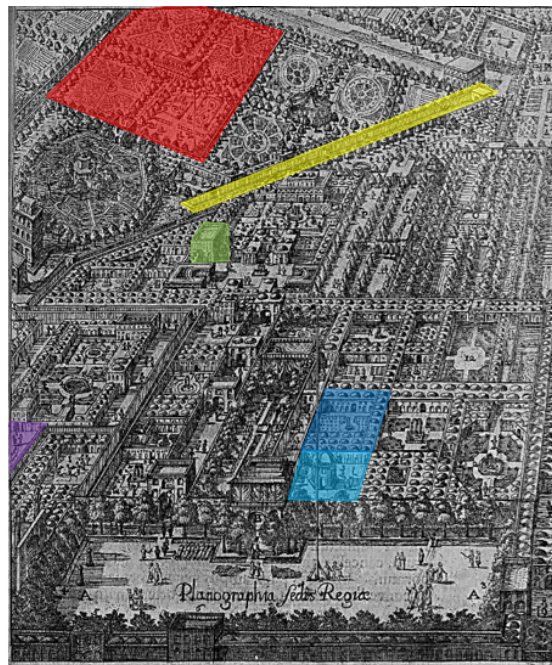
مصونیت حقوقی می‌داد در طول ده‌ها سال پایتختی اصفهان مکانی بود تا مردم از عالی‌رتبه‌ترین افراد در حکومت شکایت کنند و شاه بدون واسطه سخن آن‌ها را بشنود و خواست آن‌ها را برآورده کند؛^{۱۰} ولی ماهیت این مکان که باعث خشنودی مردم از شاه صفوی می‌شد با اقدام شاه سلیمان برای فاصله گرفتن از مردم در ذهن اهالی اصفهان تغییر یافت.

هم‌زمان با بلوای نان در نخستین سال‌های سلطنت شاه سلیمان، علی‌قلی‌خان که با ارمنیان به خاطر ندادن وام مالی به شخص وی خصومت شخصی داشت (**شاردن، ۱۳۷۴، ج ۴، ۱۶۸۰-۱۶۸۵**) در حکمی درخواست آردی بیش‌ازحد توان ارمنیان را کرد. پس زنان ارامنه در توحید خانه جمع شدند تا از شاه دادخواهی کنند، آن‌ها با توجه به ذهنیتی که از این مکان داشتند با نگهبانان شاه نیز درگیر شدند و یکی از آنان عنان اسب شاه را نیز برای دادخواهی در دست گرفت. با برآورده نشدن خواست ارمنیان به‌صورت کامل در طی اتفاقاتی تعداد زیادی از مردان ارمنی نیز به آن‌ها پیوستند و فریاد دادخواهی را در زیر گوش شاه بلند کردند. سرانجام شاه گریزان از مردان به تحریک علی‌قلی‌خان فرمانده کل سپاه، فرمان قتل‌عام ارامنه را در این مکان که جزئی از دولت‌خانه بود داد^{۱۱} (**تاورنیه، ۱۳۶۳، ۵۶۵-۵۶۶**). ولی با وساطت برخی از درباریان از این کار درگذشت و سرانجام ارامنه را با چوب و کتک زدن از توحید خانه بیرون کردند. تعداد زیادی از ارمنیان دستگیر و زندانی شدند. بزرگ ارامنه تا مدت‌ها در زندان ماند و جلفای ارمنی‌نشین به‌جز گبرآباد نو که زردشتی نشین بود به پرداخت جریمه‌ای هنگفت محکوم شد (**شاردن، ۱۳۷۴، ج ۴، ۱۶۸۵-۱۶۹۱**).

این اقدام باعث شد تا قداست توحید خانه به‌عنوان بستی برای دادخواهی و خانقاهی مقدس و مکانی برای صحبت و دادخواهی بی‌واسطه با شاه صفوی در ذهن اقلیت‌های مذهبی خصوصاً ارمنیان از بین رود. چراکه پس‌ازاین واقعه گزارشی از حضور چندباره مسلمانان در این مکان برای دادخواهی وجود دارد (**کمپفر، ۱۳۶۳، ۶۸**). با این اقدام نه‌تنها کیفیت ذهنی مکانی در دولت‌خانه همایونی نقش‌جهان برای اقلیت‌های مذهبی اصفهان عوض شد و تنها مکان دارای مصونیت حقوقی برای ایشان یعنی توحید خانه از اعتبار افتاد بلکه روند مهاجرت ارمنیان اصفهان از این شهر به خارج از ایران به‌ویژه هند، رم و ونیز (**متی، ۱۳۹۳، ۱۸۱-۲۰۲**) پس از آن‌که دیگر شاه ایران را پشتیبان خود نمی‌دیدند تشدید شد.

دگرگونی در کیفیت حضور شاه در شهر

شاهان صفوی به شیوه‌های مخصوص خود شهر حاضر می‌شدند



شکل ۱۴. بخشی از دولت‌خانه مبارکه نقش‌جهان اصفهان صفوی که در دوره شاه سلیمان تغییر می‌کند. احتمالاً رنگ قرمز باغ بلبل و عمارت هشت‌بهشت. رنگ زرد خیابان خصوصی. رنگ سبز تالار اشرف. رنگ آبی بست توحید خانه. رنگ لاجوردی باغ زنانه توحیدخانه. رنگ بنفش میدان الله‌بیگ. گراور برگرفته از نقشه کمپفر (مأخذ: Kaempfer, 1712)

Figure 14. Part of the Mobarakeh Dolatkhaneh of the Safavid Isfahan Naqsh-e Jahan, which changed during the reign of Shah Su-leiman. Probably the red color of the Bulbul Garden and the Hasht-e Behesht Mansion. The yellow color of the Khashab Street. The green color of the Ashraf Hall. The blue color of the Tohid Khaneh Gate. The azure color of the Tohid Khaneh Women's Garden. The purple color of the Lale Beg Square. Engraving taken from the Kaempfer map. (Source: Kaempfer, 1712)

قرق‌ها

گرچه گزارش‌های متعددی از جشن‌هایی چون اسبدوانی و چراغانی میدان‌ها و خیابان‌ها در ماه‌های نخست تاج‌گذاری شاه سلیمان موجود است.^{۱۲} ولی آنچه بیش از همه در گزارش‌های موجود به آن تأکید شده قرق کردن اطراف اصفهان برای سرگرمی شاه به همراه زنان حرمش و نه مردم عادی است. بر طبق گزارشی شاه در پنج ماه اول تاج‌گذاری‌اش تا نوروز ۱۰۷۸ ق و آن‌هم در فصل‌های سرد پاییز و زمستان شصت‌ودو بار فرمان قرق نواحی مختلف اطراف اصفهان را صادر کرد؛ (شاردن، ۱۳۷۴، ج ۴، ۱۶۷۰-۱۶۷۲ و ۱۶۷۶-۱۶۷۸ و ۱۷۰۵-۱۷۰۳) و در دو سال نخست حکومتش هر ده تا دوازده روز یک‌بار بخشی از شهر قرق شد. در پنج سال نخست حکومت شاه سلیمان این قرق‌ها بسیار اتفاق افتاد (کمپفر، ۱۳۶۳، ۳۶؛ شاردن، ۱۳۷۴-۱۳۷۵، ج ۴ و ۵، ۱۸۶۲ و ۱۳۲۹-۱۳۲۸). شاه چنان به قرق و سفر با زنانش علاقه داشت که حتی در بیماری نیز همراه با زنانش به این سفرها می‌رفت (شاردن، ۱۳۷۴، ج ۴، ۱۵۶۴ و ۱۷۱۸-۱۷۱۹). شاه بیشتر علاقه داشت تا به کوه صفه و اقامتگاهش در آنجا یعنی تخت سلیمان برود بنابراین

(چنگیزی‌محمّدی، ۱۳۹۵). از گردش شاه‌عباس با یک غلام پشت سرش تا [گردش‌های پرتکلف شاهان انتهای دوره صفوی، (کمپفر، ۱۳۶۳، ۷۷ و ۱۰۵؛ جملی‌کاری، ۱۳۴۸، ۱۲۶-۱۲۷). از دیدار با عرفا توسط شاه‌عباس دوم (وحید قزوینی، ۱۳۸۳، ۶۶۴-۶۶۳؛ واله اصفهانی، ۱۳۸۰، ۶۲۳-۶۲۰) تا به مهمانی رفتن و بازگشت مست شاه از مهمانی و قرق خیابان‌ها برای آنکه کسی شاه مست را در خیابان‌های شهر اصفهان نبیند در دوره شاه سلیمان (حسینی، بی‌تا، ۵۴۳) نشان از آن دارد تا چه میزان شهر تحت تأثیر حضور شاه کیفیتی دگرگون می‌یافته است. در اینجا با توجه به شخصیت شاه سلیمان تنها به بررسی قرق شهر برای حرم‌سرا در دوره شاه سلیمان پرداخته‌شده است. شاه سلیمان نه‌تنها با ساخت ساختمان‌های متعدد برای حرم به گسترش حرم‌سرا دامن زد بلکه با تغییر در کیفیت حضورش در شهر، بخش‌هایی از اصفهان را تا حد بسیار زیادی متفاوت از قبل ساخت و باعث گسترش حرم‌سرا تا درون محلات مسکونی شد. در این بخش به این موضوع پرداخته‌شده است.

شاه خانه‌نشین

شاه سلیمان صفوی در چند سال منتهی به فوتش ابتدا از پرداختن به امور کشوری سرباز زد و تنها برای تفریح و شاد خواری از حرم‌سرا خارج می‌شد. پس از آن به تدریج حتی از حرم‌سرا نیز خارج نشد و خانه‌نشین بود، (حسینی، بی‌تا، ۵۴۳) به گونه‌ای که بسیاری از کارهای کشوری که نیاز به دستور و مهر پادشاه داشت معطل ماند. وی در اواخر این دوره حتی پزشکان را نیز به حضور نپذیرفت (نصیری، ۱۳۷۳، ۶-۷ و ۲۵). این گونه بود که شاهی که دوران ابتدائی زندگی خود را در حرم‌سرا گذرانده بود و در میان حکومتش حرم‌سرا را در شهر گسترش داد در دوران پایانی زندگی خود به درون حرم‌سرا بازگشت. وی همواره و به‌صورت رسمی و بافاصله در میان مردم حاضر می‌شد.^{۱۲}

نتیجه‌گیری

در تحلیل تحولات معماری و شهرسازی اصفهان در دوران شاه سلیمان صفوی، می‌توان دریافت که این دوران، نه تنها شاهد تحولات معماری در مقیاس میانه، بلکه تغییرات بنیادینی در سازمان‌دهی و کاربری فضاهای شهری بود که به شدت تحت تأثیر ترجیحات شخصی و شیوهی زندگی شاه قرار گرفت. شاه سلیمان که به زندگی در حرم‌سرا علاقه‌مند بود، به تدریج با ایجاد فضاهای خصوصی و اختصاصی برای خود و اهل حرم، باعث تغییرات قابل توجهی در ساختار شهری اصفهان شد. این تحولات نشان‌دهندهی شکل‌گیری فضایی شهری است که بیشتر از هر چیز برای یک زندگی درباری و شخصی ویژه شاه سلیمان طراحی شده بود و نیازهای عمومی شهروندان را به حاشیه می‌راند. یکی از مهم‌ترین جنبه‌های این تغییرات معماری، گسترش و توسعهی فضاهای مختص به شاه و حرم‌سرا بود. شاه سلیمان با ساخت بناهایی چون عمارت تالار اشرف، هشت‌بهشت و سایر عمارت‌های سلطنتی، نه تنها به تقویت ویژگی‌های خصوصی و سلطنتی حرم‌سرا پرداخت، بلکه در سطحی وسیع‌تر، فضاهایی ایجاد کرد که برخلاف فضاهای عمومی و شهری، بیش‌ازپیش به مکانی مختص درباریان و اهل حرم تبدیل شد. تالار اشرف، به‌عنوان نمونه‌ای برجسته، کاخی بارعام برای نمایش قدرت در برابر بیگانگان نبود، بلکه با تمام شکوه و جلال خود در دل حرم‌سرای شاهانه ساخته شد تا به‌عنوان فضایی خصوصی برای لذت‌بردن شاه از حضور همسرانش عمل کند. این روند ادامه یافت تا جایی که شاه سلیمان در ساخت عمارت هشت‌بهشت در باغ بلبل، نمونه‌ای از فضایی باشکوه و اختصاصی برای شاه و اهل حرم ایجاد کرد که ارتباط کمتری با فضای عمومی شهر داشت. این روند به‌ویژه در توسعهی قرق‌ها و تغییر کاربری فضاهای عمومی

بیشترین محلاتی که قرق می‌شدند خیابان چهارباغ و محله جلفا یعنی حدود نیم فرسنگ از شهر بود (کمپفر، ۱۳۶۳، ۳۶؛ سانسون، ۱۳۴۶، ۱۰۹-۱۱۱). این قرق‌ها شیوهی تازه‌ای از نحوهی حضور شاه در شهر را پدید آورد که کلیه مردان بالای حدود هفت تا ده سال را از شاه تا دو فرسنگ دور می‌ساخت (شاردن، ۱۳۷۴، ج ۴، ۱۷۱۸-۱۷۱۹؛ کمپفر، ۱۳۶۳، ۵۸) و اگر اتفاقی مردی در آن نزدیکی حضور داشت به‌سرعت کشته می‌شد. در طی دو سال در جلفا دو بار افرادی به جرم نادیده‌گیری قرق کشته شدند (شاردن، ۱۳۷۴، ج ۴، ۱۳۲۸-۱۳۲۹؛ سانسون، ۱۳۴۶، ۱۰۹-۱۱۱). حتی زنان نیز بعد از مدتی حق نزدیک شدن به حرم را در هنگام قرق‌ها نداشتند (شاردن، ۱۳۷۴، ج ۴، ۱۳۲۸-۱۳۲۹). ممکن است این تصمیم پس از آن گرفته شده باشد که زنان با نزدیک شدن به شاه فریادهای دادخواهی برمی‌داشتند و همین امر سفرهای تفریحی شاه را ناخوش آیند می‌کرد. تعداد این قرق‌ها در اواسط حکومت شاه سلیمان به تدریج کم شد ولی تا پایان حکومت وی نیز ادامه داشت (جملی کاری، ۱۳۴۸، ۱۲۶-۱۲۷). این قرق‌ها عملاً محدوده حرم‌سرا تا دو فرسنگ بیشتر از مکان قرق در شهر گسترش می‌داد. اصلی‌ترین مکان قرق شاه محله‌ی جلفا بود که باعث می‌شد تا چندین روز مردان ارمنی از کار و زندگی خود بی‌کار شده نتوانند به جلفا بروند. شاه عموماً از دختران یا زنان زیبای جلفا افرادی را برمی‌گزید و به حرم می‌برد که گاهی نارضایتی ارمنیان را در پی داشت (شاردن، ۱۳۷۴، ج ۴، ۱۷۱۸-۱۷۱۹). این موضوع به‌خوبی نشان می‌دهد شاه چگونه به جلفا به‌عنوان حرم‌سرایی بزرگ می‌نگریست. به‌جز این‌ها شاه سلیمان دو بار به‌صورت غیرمعمول به زنان مسیحی دست‌اندازی کرد. یک‌بار پس از هماهنگی با حاکم جلفا و پس از پایان یافتن جشن خاچ‌شویان یا همان عید میلاد مسیح حدود صد نفر از زنان و دختران آرایش کرده‌ی ارمنی همراه با جواهراتشان به بهانه دیده شدن مراسم مذهبی‌شان به حرم‌سرا برده شدند که شاه بیست نفرشان را بازنگرداند و موجب نارضایتی ارمنیان شد؛ ولی این ناخشنودی راه بجایی نبرد و بار دیگر هشت نفر از زنان و دختران اروپایی ساکن جلفای اصفهان به بهانه دیده شدن لباس‌های زنان فرنگی توسط زنان دربار به حرم‌سرا آمدند که این بار باخشم و سعی سفرای اروپایی ساکن اصفهان خصوصاً سفیر سوئد پس از یک هفته زنان به خانواده‌هایشان بازگشتند (کمپفر، ۱۳۶۳، ۶۲؛ درهوهانیان، ۱۳۷۸، ۱۴۴-۱۴۵). در جلفا بعضاً از دواج‌های زودهنگام کودکان از ترس این دست‌اندازی‌ها وجود داشت (جملی کاری، ۱۳۴۸، ۱۰۶). این موضوعات به‌خوبی نشان می‌دهد شاه تا چه میزان به شهر به چشم حرم‌سرایی بزرگ می‌نگریست.

جدول ۱. ساخت و سازهای شاه سلیمان
Table 1. Constructions of Shah Suleiman the Safavid.

نام ساختمان	دوره ساخت	هدف اصلی
تخت سلیمان	ابتدایی	نمایش ساختمان به مادرش
اشرف	ابتدایی	تالاری برای برگزاری مهمانی‌های زنانه در قلب دولت‌خانه
هشت‌بهشت	میانی	اقامتگاه تفریحی تابستانه
حرم‌سرای هزارجریب	میانی	اقامتگاه تفریحی برای گردش با زنان
خصوصی شدن میدان لّله‌بیگ	میانی	گردش‌های رسمی پادشاه
خیابان خصوصی	میانی	راحتی حرم‌سرا

بخش‌هایی از شهر با مرزهای بسته و حریم‌های خاص برای خود و خانواده‌اش بود. این روند منجر به آن شد که برخی از فضاهای اصفهان که در ابتدا فضاهای عمومی و باز بودند، به فضاهایی تبدیل شود که در آن شاه و اهل حرم به‌طور خاص و خصوصی از آن بهره می‌بردند و این تغییرات معماری و شهرسازی، هویت و ساختار شهری این دوره را دگرگون ساخت. به این ترتیب نشان داده شد میان شخصیت شاه سلیمان و ساخت‌وسازهای وی ارتباطی قوی و معنادار است که تاکنون روشن نشده بود.

۱-۱ نقش نویسندگان

بررسی ادبیات، جمع‌آوری اطلاعات، تجزیه و تحلیل و تفسیر داده‌ها، تهیه متن و ویرایش توسط امیرمحمد چنگیزی‌محمّدی انجام گرفته است. طالبی و مدیدی بارانمایی‌های لازم در انجام پژوهش یاری نمودند.

۱-۲ تقدیر و تشکر

این پژوهش منتج از رساله دکتری با عنوان نقش پادشاهان صفوی در روند تغییرات شهری اصفهان و با حمایت دانشکده هنر و معماری دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نجف‌آباد انجام گرفته است.

۱-۳ تعارض منافع نویسندگان

نویسندگان به‌طورکامل از اخلاق نشر تبعیت کرده و از هرگونه سرقت ادبی، سوء رفتار، جعل داده‌ها و یا ارسال و انتشار دوگانه، پرهیز

نمود پیدا کرد. میدان لّله‌بیگ که پیش‌تر یک فضای عمومی و آزاد بود، به یک اسطبل شاهی تبدیل شد و عمارت‌های جدید ساخته شده در اطراف آن، به فضاهایی مختص دربار و حرم سلطنتی تبدیل شدند. همچنین، گسترش مرزهای حرم‌سرا به بخش‌های وسیع‌تری از شهر، شامل خیابان‌ها و باغ‌ها، باعث شد تا فضاهایی چون باغ هزارجریب، جلفا و خیابان‌های نزدیک به حرم‌سرا، به‌طور مداوم در حالت قرق و تحت کنترل شاه قرار بگیرند. این تغییرات به‌ویژه در بخش جنوبی اصفهان و ساخت خیابان‌های اختصاصی برای اهل حرم برجسته شد و فضای عمومی را در وقت قرق به‌طور کامل تحت سلطه‌ی حرم‌سرای شاهانه درآورد.

از نظر شهرسازی، شاه سلیمان با ایجاد دیوارها و قرق‌های طولانی، شبکه‌ای از خیابان‌ها و فضاهای شهری را به فضاهای خصوصی و بسته تبدیل کرد که تنها برای استفاده‌ی برخی از درباریان و اهل حرم طراحی شده بود. این اقدام‌ها باعث محدود شدن دسترسی عمومی به فضاهایی چون میدان‌ها و باغ‌ها و در نتیجه تغییر در ساختار اجتماعی و کاربری فضاهای شهری شد. همچنین، ساخت باغ‌های اختصاصی مانند باغ هزارجریب که به دو بخش تقسیم شد، گواهی بر این است که شاه سلیمان در پی ایجاد فضاهایی بود که بیشتر در خدمت اهداف شخصی و تفریحی او و حرم باشد.

در مجموع، نتایج این تحولات معماری و شهرسازی نه تنها به بازتابی از ترجیحات شخصی شاه سلیمان بدل شد، بلکه این تغییرات ساختاری در فضاهای شهری، به‌ویژه در زمینه‌ی استفاده از فضاهای عمومی و اختصاصی، به نحوی آشکارا نشان‌دهنده‌ی گرایش شاه به ایجاد

۱۵۶-۱۵۷).

۹. محمدعلی بیگلر معروف به لَهِ‌بیگ از نزدیکان شاه‌عباس‌بزرگ بود. وی بیشتر مأموریت‌های عمرانی را بر عهده داشت. وی ناظر میدان شاه اصفهان، مأمور اجرای پروژه‌ی جاده‌ی مازندران، سازنده‌ی میدان، بازار و کاروانسرا در اصفهان و همچنین ریس برگزاری جشن تاج‌گذاری شاه‌صفی اول بود. لقب لَهِ‌بیگ در دوره‌ی صفوی و اوایل قاجار متداول بوده است و نباید محمدعلی بیگلر را با دیگران اشتباه گرفت (شاردن، ۱۳۷۴-۱۳۷۵، ج ۴ و ۵، ۱۴۱۹ و ۱۴۶۴ و ۱۴۶۶؛ اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳-۱۳۶۷، ۹۰۶-۹۰۷؛ حسینی سوانح‌نگار تفرشی، ۱۳۸۸، ۲۱۷؛ کیانی، ۱۳۶۶، ۱۴۴-۱۴۵).

۱۰. مجموعه‌ی توحید خانه که کمپفر از آن به‌عنوان بست عالی‌قاپو یاد می‌کند در شمال عمارت عالی‌قاپو شامل گنبدخانه‌ای و فاقد معماری شبیه مساجد است؛ که در آن صوفیه‌ی قزلباش خصوصاً در آخر هفته‌ها جمع شده و با خواندن اذکار خود به دعا برای پادشاه صفوی می‌پرداختند به نظر می‌آید برگزاری مراسم توسط صوفیه در این مکان در دوره‌ی شاه‌سلطان حسین ممنوع شد. همچنین مجرمین یا متهمین و حتی بدهکاران اگر خود را به این مکان می‌رساندند در امان بودند و کسی حتی شخص شاه نمی‌توانست آن‌ها را از این مکان بیرون کند یا محاکمه و مجازات نماید مسئول رسیدگی به این افراد رئیس اسطبل شاهی بود. همچنین این مکان به‌عنوان بستی برای معترضین به سیاست‌های حکومت مانند افزایش مالیات و وضعیت نا به سامان مانند گرانی غله نیز بوده است در دوره‌ی صفوی این مکان یک باغ زنانه نیز داشته است که زنان می‌توانستند در آن تحصن کنند. تاورنیه میان سردر عالی‌قاپو و باب علی یا علی‌قاپو تفاوت قائل شده و در وردی بست توحید خانه در خیابانی که از عالی‌قاپو می‌گذرد را باب علی می‌نامد (تاورنیه، ۱۳۶۳، ۳۸۷ و ۴۳۸). شاردن میان بست و توحید خانه تفاوت قائل شده و نام توحید خانه را مسجد طاووس خانه ضبط کرده است. سانسون نیز این مکان را مسجد می‌داند (سانسون، ۱۳۴۶، ۵۶، ۷۲). این‌که دو نفر در دوره‌ی شاه سلیمان این مکان را مسجد ذکر کرده‌اند این احتمال را به وجود می‌آورد که در این دوره این مکان تبدیل به نمازخانه یا مسجدی شده است. متون نشان می‌دهد محدودیتی برای ورود افراد از قبیل جنسیت و مذهب به این مکان وجود نداشت و تنها محدود ممنوعیت ورود اسلحه به این مکان بوده است. برای مثال پیرزنان در آن بارها بست نشستند یا ارمنیان فریاد دادخواهی از افزایش مالیات را در آن سر دادند چندین سند از حضور گروه‌های مختلف جامعه برای مسائل گوناگون در این مکان خبر می‌دهد. تجمع روحانیان علیه فتوای حلال کردن ازدواج شاه‌عباس با عمه‌اش، تجمع مردم در دوره‌ی شاه صفی علیه گرانی نان، تجمع مردم

نموده‌اند و منافعی تجاری در این راستا وجود ندارد و نویسندگان در قبال ارائه اثر خود وجهی دریافت ننموده‌اند.

پی‌نوشت‌ها

۱. ۱۶۹۴-۱۶۹۴ م. یا ۱۰۴۵-۱۰۷۳ ه.ش.
۲. جنگ با ازبکان در خراسان و قزاقان در مازندران و ترکمنان در استرآباد و دامغان و سمنان و با کردان در سنندج، اردلان و شهر زوم (کمپفر، ۱۳۶۳، ۸۰-۷۹؛ اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳-۱۳۶۷، ۹۸۴، ۹۸۸-۹۸۹).
۳. زلزله‌های شروان، شماخی، تبریز، مشهدالرضای مقدس و نیشابور (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳-۱۳۶۷، ۹۸۰، ۹۸۳-۹۸۴).
۴. تنها کمپفر گزارشی خلاف این موضوع نقل کرده است (کمپفر، ۱۳۶۳، ۲۳۸-۲۴۰).
۵. وبای سخت در گیلان در سال ۱۰۹۵ ق و در اردبیل در سال ۱۰۹۶ ق و تبریز و زنجان و مازندران در سال ۱۰۹۷ ق. ادامه داشتن وبا و طاعون در مازندران تا سال ۱۰۹۸ ق و طاعون در تبریز در سال ۱۰۹۸ ق (حسینی، بی‌تا، ۵۳۷-۵۴۰ و ۵۴۳؛ یوسف جمالی و حیدری، ۱۳۹۲، ۱۰۷-۱۰۸).
6. Joseph Gerlot.
۷. متأسفانه در خود مقدمه سفرنامه شاردن اطلاعات اشتباهی راجع به تاریخ سفرهای وی آمده است که بایستی اصلاح شود. از سوی دیگر اطلاعاتی اندکی از گرلو وجود دارد و با توجه به اختلاف وی و شاردن و اتهام دزدی فرهنگی آن‌ها از یکدیگر یافتن حقیقت نیز سخت‌تر شده است. به نظر می‌رسد که گرلو تعداد زیادی گراور از ایران و عثمانی ترسیم کرده که تنها اندکی از آن‌ها به نام شاردن به چاپ رسیده و مابقی به‌صورت خطی باقی است و هنوز موردتوجه واقع نشده است.
۸. بیشتر این استناد مربوط به مقرنس‌های سقف است که به تالار هشت‌بهشت شباهت دارد. حال آنکه پلان شباهت بیشتری به بخش پشتی عمارت چهل‌ستون دارد که احتمالاً مربوط به قبل از شاه‌عباس اول است؛ بنابراین این نتیجه‌گیری جای تفکر بیشتری دارد. برخی نیز این بنا را با دلایلی به دوره‌ی شاه‌عباس دوم نسبت داده‌اند و حتی گفته‌اند شاه سلیمان در همین تالار تاج‌گذاری کرده است که غلط به نظر می‌رسد و گروهی راه میانه را برگزیده شروع ساختمان را مربوط به دوره‌ی شاه‌عباس دوم و پایان آن را مربوط به دوره‌ی شاه سلیمان دانسته‌اند و در انتها افرادی نیز ادعا کرده‌اند که ممکن است این ساختمان مربوط به اواخر دوره‌ی شاه سلیمان و اوایل دوره‌ی شاه‌سلطان حسین باشد؛ ولی کلیه این نسبت‌ها بدون سند است (جکسون و لاکهارت، ۱۳۹۳، ۴۴۹؛ عبدالحسین، تیر و مرداد ۱۳۴۳،

b34c192a14a8211a0f0fa5b129d8a0f0.pdf

۸. تاورنیه، ژان باتیست. (۱۳۶۳). سفرنامه تاورنیه. (ابوتراب نوری، مترجم؛ با تجدیدنظر کلی و تصحیح حمید شیرانی). تهران: سنائی؛ اصفهان: کتابفروشی تایید. (نشر اصلی ۱۶۸۹).
۹. جکسون، پیتر و لاکهارت، لارنس. (۱۳۹۳). تاریخ ایران کمبریج: دوره‌ی صفوی (تیمور قادری، مترجم؛ قسمت دوم) (جلد ۶). تهران: مهتاب. (نشر اصلی ۱۹۸۶)
۱۰. جملی کارری، جووانی فرانچسکو. (۱۳۴۸). سفرنامه کارری. (عباس نخجوانی و عبدالعلی کارنگ، مترجمان). تبریز: اداره کل فرهنگ و هنر آذربایجان شرقی. (نشر اصلی ۱۷۲۵).
۱۱. جناب‌اصفهانی، علی. (۱۳۷۶). اصفهان. (نوشته میرسیدعلی و ژان شاردن؛ به کوشش محمدرضا ریاضی؛ [برای] معاونت معرفی و آموزش سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه)، معاونت معرفی و آموزش، اداره کل آموزش، انتشارات و تولیدات فرهنگی).
۱۲. چنگیزی‌محمّدی، امیرمحمّد. (۱۳۹۵). روند تغییرات شهری اصفهان در دوره صفویه از آغاز دوره شاه صفی تا پایان دوره شاه عباس دوم. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
۱۳. حسنی، امیر. (۱۳۹۷). آشنایی با سبک معماری اصفهانی. دلیجان: انتشارات بهریار.
۱۴. حسینی، عبدالحسین. (بی‌تا). وقایع السنین و الاعوام: گزارشهای سالیانه از ابتدای خلقت تا سال ۱۱۹۵ هجری. (بتصحیح محمدباقر بهبودی) تهران: بی‌جا.
۱۵. حسینی سوانح‌نگار تفرشی، ابوالمفاخر بن فضل‌الله. (۱۳۸۸). تاریخ شاه‌صفی (تاریخ تحولات ایران در سالهای ۱۰۳۸ - ۱۰۵۲ ه.ق.) به انضمام مبادی تاریخ زمان نواب رضوان‌مکان (شاه‌صفی) تاریخ تحولات ایران در سالهای ۱۰۴ - ۱۰۳۸ ه.ق. (مقدمه، تصحیح و تعلیقات محسن بهرام‌نژاد). تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب.
۱۶. درهوهانیان، هاروتون. (۱۳۷۷). تاریخ جلفای اصفهان. (لئون میناسیان، محمدعلی موسوی فریدنی، مترجمان). اصفهان: نشر زنده‌رود، نقش خورشید. (نشر اصلی ۱۳۷۷).
۱۷. رضازاده اردبیلی، مجتبی. (ثابت فرد، مجتبی). (بهار ۱۳۹۲). بازشناسی کاربرد اصول هندسی در معماری سنتی مطالعه موردی: قصر خورشید و هندسه پنهان آن. نشریه هنرهای زیبا - معماری و شهرسازی، ۱۸ (۱)، ۴۴-۲۹. <http://noo.rs/2ZPGV>
۱۸. سانسون. (۱۳۴۶). سفرنامه سانسون: وضع کشور شاهنشاهی ایران در زمان شاه سلیمان صفوی، تحقیق و مطالعه دقیق درباره آداب و اخلاق و حکومت ایران. (تقی تفضلی، مترجم). تهران: ابن‌سینا. (نشر اصلی

- در دوره‌ی شاه سلیمان علیه گرانی نان و تجمع ارمنیان در دوره‌ی شاه سلیمان علیه پرداخت مالیاتی اضافه بر معمول از تجمع‌های بزرگ در این مکان بوده است. در دوره‌ی شاه‌سلطان حسین بخشی از مراسم باشکوه محرم نیز برای اولین بار در آن برگزار شد (نصیری، ۱۳۷۳، ۳۳-۳۵؛ وحید قزوینی، ۱۳۸۳، ۶۹۱-۶۹۳؛ حسینی سوانح‌نگار تفرشی، ۱۳۸۸، ۶۱-۶۳؛ شاردن، ۱۳۷۴، ج ۴، ۱۴۴۵-۱۴۴۷ و ۱۵۸۲؛ کمپفر، ۱۳۶۳، ۱۳۲-۲۳۸ و ۲۰۵-۲۰۶).
۱۱. تاورنیه این فرمان را اسلام آوردن اجباری ارامنه ذکر کرده است. محتمل است فرمان شفاهی شاه آن باشد که یا ارامنه مسلمان شوند و یا اعدام (تاورنیه، ۱۳۶۳، ۵۶۵-۵۶۶).
 ۱۲. گرچه تاورنیه از حضور شاه در میدان نقش‌جهان و تماشای بازی حیوانات و شرط‌بندی خبر می‌دهد ولی اشاره نمی‌کند منظور وی کدام شاه است. فراموش نباید کرد که وی شاهد سلطنت شاه‌صفی، شاه‌عباس دوم و شاه سلیمان در ایران است (تاورنیه، ۱۳۶۳، ۳۸۵).
 ۱۳. به نظر می‌آید گزارش عبدالحسین نوایی از حضور شاه سلیمان به‌صورت ناشناس در میان مردم افسانه باشد (نوائی، ۱۳۶۰، ۲۳۰).

فهرست مراجع

۱. آقاشریفیان اصفهانی، حمید. (۱۳۹۴). پردیس هشت‌بهشت: بررسی رازوری کاخ هشت‌بهشت. حمید آقاشریفیان اصفهانی، هوشمند نفریان. اصفهان.
۲. اسکندری، آراد. (۱۳۹۷). معماری ایرانی در عصر صفوی. قم: انتشارات پورصائب.
۳. اعتمادالسلطنه، محمدحسن بن علی. (۱۳۶۷-۱۳۶۳). تاریخ منتظم ناصری. (تصحیح محمد اسماعیل رضوانی). تهران: دنیای کتاب.
۴. امبرسز، نیکلاس نیکلای. (۱۳۷۰). تاریخ زمین لرزه‌های ایران. (ابوالحسین رده، مترجم؛ ن. ن. امبرسز، چ. پ. ملویل). تهران: آگاه. (نشر اصلی ۱۹۵۱).
۵. بابایی، سوسن. (۱۳۹۸). اصفهان و کاخ‌هایش: کشورداری، تشیع و معماری بزم در آغاز دوران ایران مدرن. (مصطفی امیرس، مترجم؛ ویراستار علیرضا جاوید). تهران: فرهنگ جاوید. (نشر اصلی ۲۰۰۸).
۶. بدر، عاصفه. (۱۳۹۸). چهلستون: از کاخ تا موزه. (تولید محتوا و مدیریت تولید مرکز اصفهان‌شناسی و خانه ملل، سازمان فرهنگی تفریحی شهرداری اصفهان). اصفهان: سازمان فرهنگی اجتماعی و ورزشی شهرداری اصفهان.
۷. بهشتی، سید محمد. (آلادپوش، سارا). (۱۳۹۵). بهار و تابستان. باغ تاریخی عباس‌آباد نطنز. پژوهش‌نامه کاشان، شماره هشتم (پیاپی ۱۶)، ۳-۳۱. https://sh-kashan.kashanu.ac.ir/article_110945

۱۶۹۵. نصرآبادی، محمدطاهر. (بی‌تا). تذکره نصرآبادی: مشتمل بر شرح حال و آثار قریب هزار شاعر عصر صفوی. تهران: بی‌جا.
۳۶. نصیری، محمدابراهیم‌بن زین‌العابدین. (۱۳۷۳). دستور شهریاران (سالهای ۱۱۰۵ تا ۱۱۱۰ ه. ق. پادشاهی شاه سلطان حسین صفوی). (به کوشش محمدنادر نصیری‌مقدم). تهران: انتشارات دکتر محمود افشار.
۳۷. نوائی، عبدالحسین. (۱۳۶۰). اسناد و مکاتبات سیاسی ایران از سال ۱۰۳۸ تا ۱۱۰۵ ه. ق همراه با یادداشتهای تفصیلی. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
۳۸. واله اصفهانی، محمدیوسف. (۱۳۸۰). ایران در زمان شاه صفی و شاه عباس دوم (۱۰۳۸ - ۱۰۷۱ ه. ق) (حدیقه ششم و هفتم از روضه هشتم) خلد برین. (تصحیح و تعلیق و توضیح و اضافات محمدرضا نصیری). تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی
۳۹. وحید قزوینی، محمدطاهر بن حسین. (۱۳۸۳). تاریخ جهان آرای عباسی. (مقدمه، تصحیح و تبلیغات سعید میرمحمد صادق؛ زیر نظر احسان اشراقی). تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۴۰. هنرفر، لطف‌الله. (۱۳۹۳). گنجینه آثار تاریخی اصفهان: آثار باستانی و الواح و کتیبه‌های تاریخی در استان اصفهان. (ویراستاران مجید شمس‌الدین، علیرضا محمدی میلانی). اصفهان: خاموش.
۴۱. هنرفر، لطف‌الله. (تیر ۱۳۵۱). هشت‌بهشت اصفهان. هنر و مردم شماره ۱۵، ۱۷ صفحه - از ۲ تا ۱۶.
۴۲. همایون، غلامعلی. (۱۳۴۸). اسناد مصور اروپائیان از ایران از اوایل قرون وسطی تا اواخر قرن هیجدهم، (۲ ج). تهران: دانشگاه تهران.
۴۳. یوری، حسین؛ و باوفا، رقیه. (آذر ۱۳۹۰). اصفهان باغ آسمان: سیری در حکمت معماری اسلامی و تزیینات وابسته به آن در دوره صفویه (با تأکید بر معماری اسلامی اصفهان در دوره مذکور). تهران: سیمای دانش.
۴۴. یوسف جمالی، محمد کریم (حیدری، زینب). (بهار ۱۳۹۲). تبیین و بررسی اوضاع فرهنگی و معماری ایران در زمان شاه سلیمان صفوی. پژوهش‌های علوم انسانی، سال چهارم - شماره ۱۹ (۲۴ صفحه - از ۱۰۳ تا ۱۲۶). <http://noo.rs/QHLLO>.
45. Brun, Corneille le. (1720). Voyage to the Levant and Travels into Moscovy, Persia, and the East Indies (English translation, London: printed for A. Bettesworth and C. Hitch, S. Birt, C. Davis, J. Clarke, S. Harding D. Browne, A. Millar, J. Shuckburgh, and T. Osborne.
46. Bembo, Ambrosio. (2005). Viaggio e Giornale per Parte dell'Asia di quattro anni incirca fatto da me Ambrosio Bembo nobile veneto [1671-1675]. Designi di
۱۹. سپنتا، عبدالحسین. (تیر و مرداد ۱۳۴۳). هشت‌بهشت و تالار اشرف. ارمغان. دوره سی و سوم - شماره ۴ و ۵ (۷ صفحه - از ۱۵۳ تا ۱۵۹). <http://noo.rs/rHAKh>
۲۰. سمسار، محمد حسن؛ سراییان، فاطمه. (۱۳۸۲). کاخ گلستان (آلبوم خانه): فهرست عکس‌های برگزیده عصر قاجار. تهران: کتاب آبان.
۲۱. شاردن، ژان. (۱۳۷۲-۱۳۷۵). سفرنامه شاردن. (۵ جلد). (اقبال یغمایی). تهران: توس.
۲۲. شجاع، عبدالمجید. (۱۳۸۴). زن، سیاست و حرمسرا در عصر صفویه. سبزواری: امیدمهر.
۲۳. صابری‌نسب، اعظم. (۱۴۰۱). شورای حرمسرا در عصر صفویه. قم: وثوق.
۲۴. صارمی، حمیدرضا؛ پریزادی، طاهر؛ و خدانشناس، مهدی. (۱۳۹۶). اصول معماری و شهرسازی اسلامی ایرانی با تأکید بر مکتب اصفهان. تهران: اول و آخر.
۲۵. عالمی، مهوش. (زمستان ۱۳۹۰). نماد پردازی در باغ ایرانی؛ حس طبیعت در باغ‌های سلطنتی صفوی. منظر. شماره ۱۷، ۸ صفحه - از ۶ تا ۱۳. <http://noo.rs/AkoEB>
۲۶. کیانی، محمد یوسف. (۱۳۶۶). معرفی یک نسخه خطی موزه بریتانیا: کاروانسراهای میدان نقش جهان و بازار اصفهان معرفی و نقد. اثر شماره ۲۱، ۸ صفحه - از ۱۴۴ تا ۱۵۱. <http://noo.rs/3zZ1v>
۲۷. کمپفر، انگلبرت. (۱۳۶۳). سفرنامه کمپفر. (کیکائوس جهاندار، مترجم). تهران: خوارزمی.
۲۸. گالدیری، اوژنیو. (۱۳۶۲). عالیقاپو (عبدالله جبل‌عاملی، مترجم). تهران: سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران.
۲۹. گروت، لیندا؛ و وانگ، دیوید. (۱۳۸۴). روش‌های تحقیق در معماری. (علیرضا عینی‌فر، مترجم). تهران: دانشگاه تهران. موسسه انتشارات. (نشر اصلی ۲۰۰۲).
۳۰. ماهوان، احمد. (۱۳۸۳). تاریخ مشهد الرضا علیه‌السلام. مشهد: ماهوان.
۳۱. متی، رودلف پی. (۱۳۹۳). ایران در بحران: زوال صفویه و سقوط اصفهان. (حسن افشار، مترجم). تهران: نشر مرکز. (نشر اصلی ۲۰۱۲).
۳۲. مستوفی، محمدمحسن. (۱۳۹۹). زبدة التواریخ. (بهروز گودرزی). تهران: سخن.
۳۳. منصوری، انوشه. (۱۳۸۴). چهلستون (کتاب سال ۸۳ - ۸۴ انجمن مفاخر معماری ایران). مشهد: نخست.
۳۴. میرشیری، لیلا. (۲۵ مرداد ۱۳۸۳) عمارت رکیب خانه نمایشگاه آثار تاریخی هنری. اطلاعات، ص ۷.

Joseph Guillaume Grelot. Édition du texte et notes de A. Invernizzi, Torino: CESMEO.

47. Chardin, Jean. (1670). Voyages de Mr. Le Chevalier Chardin en Perse et autres lieux de l'Orient. Paris: Le Normant.

48. Kaempfer, Engelbert (1984). Am Hofe des persischen Grosskönigs 1684-1685 Alte abenteuerliche

Reise- und Entdeckungsberichte (Editor Walther Hinz). the University of Michigan: Thienemann.

49. Alaghehband, Fariborz.)2010). Ashraf Hall. <https://www.360cities.net/image/ashraf-hall-03>

50. Jubbadar, Ali Quli. (1660-1670). painting; calligraphy. https://www.britishmuseum.org/collection/object/W_1920-0917-0-295



© 2025 by author(s); Published by Science and Research Branch Islamic Azad University, This work for open access publication is under the Creative Commons Attribution International License (CC BY 4.0). (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>)

Typology of Safavid Palaces and Explananing Shah Suleiman Role in Building Esfahan Harems

Zeinab Talebi*, Department of Urban planning, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.

Amirmohammad Changizi Mohammadi, Department of Architecture, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.

Naser Jadidi, Department of History, Najafabad Branch, Islamic Azad University, Najafabad, Iran.

Abstract

One of the topics that have not been investigated so far is the role of Shah Suleiman in the architectural transformations and urban planning of Safavid Esfahan. Although, until today, articles and books have also addressed the issue of construction during the era of Shah Suleiman, what has not been carefully studied is how Shah Suleiman, with his unique personality, played a role in the architecture and urban planning of Esfahan. This article aims to get to know Shah Suleiman by examining the primary sources and the historical-interpretive method, which is one of the well-known methods of architectural research, and then, based on his personality, to clarify the role of Shah Suleiman in the architectural transformations and urban planning of Esfahan. On the other hand, the Safavid kings could play a role in architecture and urban planning in different ways. By transforming the physical characteristics of architectural and urban spaces, urban events, and social context, especially the context of minority neighborhoods, and influencing some urban areas such as monasteries, coffeehouses, etc. and with their presence in the city and other issues, they were effective in the transformation process of the city, especially the capital. It should not be forgotten that each Safavid king influenced Esfahan differently than Shah Abbas I because of their politics and character. In this article, due to the limitation, only the physical transformations, which mainly included the construction of recreational booths for the harem and the way of using these booths as large urban preserves, have been limited. Other cases, especially the changes in some urban spaces such as coffee houses, etc. which are noticeable in this period, have been ignored. First, by using primary sources, an attempt was made to identify the personality and characteristics of Shah Suleiman, the causes of the formation of this personality, and his other characteristics, and then, by knowing the architectural works and the way the presence of Shah Suleiman in the city was based on historical sources and in a descriptive-analytical way, the relationship between the personality of Shah Suleiman and his actions in the city of Esfahan was clarified. At first, glance, although the physical characteristics of the city of Esfahan did not change much at the beginning and end of Shah Suleiman's reign, this city became a somewhat different place. From a general perspective, it can be seen that King Suleiman, who loved living in a harem, turned the city of Esfahan into a place like a big harem as much as he could. First, he brought his women to the harem-like city with many long preserves. Men over seven had to stay away from the neighborhoods, where they sometimes stayed for more than two weeks so that the king could walk around the city's neighborhoods with his women. Places where ordinary young girls tried to make themselves one of the king's many wives in this big harem so that they could benefit from the benefits of this marriage.

Keywords: Suleiman I of Persia, Shah Suleiman Esfahan, The harem of Naqsh Jahan, Ashraf Hall, Hashtbehesht palace, Esfahan Takht Suleiman.

* Corresponding Author Email: Z.taleb@par.iaun.ac.ir